روش سخنوری درگفت و گویی نمادین با حضرت علی (علیه السلام) (2)

پدید آورنده : عبدالرحیم موگِهی (شمیم) ، صفحه 34

در شماره پیشین بخش اول از گفت و گوی نمادین با امیرمؤمنان حضرت علی (علیه السلام) در خصوص روش سخنوری را از نظر گذراندید اینک بخش دوم از این گفت و گو را می خوانید.

22ـ یا امیرالمؤمنین! گاهی بعضی از منبری ها و سخنران ها سخنان خود را بسیار طول می دهند؛ به گونه ای که آدم خیلی خسته می گردد و هِی از این پا به آن پا می شود و دلش می خواهد هر چه زودتر مجلس تمام گردد و از آن مجلس بیرون رود و راحت شود. آیا اینان کار درستی می کنند؟ و آیا همین طول دادنِ سخنرانی هایشان باعث نمی شود که مردم نسبت به منبر و منبری و سخنرانی و سخنران دلزده گردند؟

از آفت هایی که دچار برخی از سخنران ها و سخنرانی ها شده، همین آفت است. نمی دانم مگر این ها نشنیده اند که من گفته ام:

«آفة الکلام الإطالة»

آفت سخن گفتن، طول دادن آن است. (995)

23. یا علی! گاهی اوقات، برخی از شنوندگانِ فضول و با شیطنت، در هنگام سخنرانی مَتَلک یا تیکه ای به سخنران می پرانند و یا گاهی به اصطلاح معروف، «پارازیت» می اندازند. سخنران در برخورد با این گونه شنوندگان چه کار باید بکند؟

گاهی در برابر این گونه شنوندگان باید دانست:

«ربّ کلام جوابه السکوت»

چه بسا سخنی که پاسخ آن، چیزی جز سکوت نیست. (495)

24. اماما! گاهی در سخنرانی حرف اشتباهی می زنیم و یا خطایی را مرتکب می شویم و در همان موقع و در همان سخنرانی یا در شب و یا شب های بعد از آن و در جلسه یا جلسات بعدی، متوجه اشتباه و خطای خود می گردیم. در این گونه موارد می خواستم بدانم که آیا در برابر شنوندگانِ خود باید به خطا و اشتباهِمان اقرار و اعتراف کنیم و آن را ذکر نماییم و یا به طور کلی بگوییم که مثلاً دیشب خطا و اشتباهی را در سخنانمان داشته ایم و به جزئیات آن اشاره نکنیم و فقط از آنان عذرخواهی نماییم؟

باید توجه داشت که یکی از نکات در این گونه موارد این است:

«ربّ جرم أغنی عن الإعتذار عنه الإقرار»

چه بسا خطا و اشتباهی که اقرار و اعتراف کردن به آن، شخص را از عذر خواهی در برابر آن بی نیاز می کند. (147)

25. علی جان! آیا در همه جا باید به طور یکسان سخن بگوییم و یا بسته به جاها و افراد و زمان های گوناگون باید به صورت های گوناگون سخنرانی کنیم که حتی از حالت یکنواختی و غیر متنوع نیز خارج شود؟

بله! درست است، چون:

«لکلّ مقام مقال»

برای هر جای خاصی سخن خاصی وجود دارد. (952)

26. یا مولا! چنانچه بخواهیم در سخنرانی هایمان مردم را موعظه کنیم و به آنان پند و اندرزی دهیم، بهترین پند و موعظه چیست؟

یکی از بهترین پندها این است:

«أنفع المواعظ ما ردع»

سودمندترین پندها و موعظه ها آن است که دیگران را از گناه باز دارد. (414)

27. سؤال کوتاهی داشتم آقا جان! در سخن گفتن با مردم و سخنرانی کردن برای آنان، چگونه حرف بزنیم و رفتار بکنیم تا مخاطبان و شنوندگانمان با ما خوش بیان و خوش برخورد باشند؟

سؤال خوبی است و راهش هم این است؛ هر چند راه های دیگری نیز وجود دارد:

«أجملوا فی الخطاب تسمعوا جمیل الجواب»

با دیگران زیبا سخن بگویید تا پاسخ زیبا هم از آنان بشنوید. (294)

28. پیشتر و بیشتر آموختیم که چه سخنی را بگوییم. مولا جان! حالا اگر امکان دارد برای ما بفرمایید که چه سخنی نگوییم؟

یکی از سخنانی که باید گفته نشود، این است:

«... لا تقل ما یکسبک وزرا أو ینفرّ عنک حرّا»

سخنی را نگو که گناهی را برای تو به بار آورد و یا انسان آزاده ای را از تو براند. (945)

29. یا امیر مؤمنان! می دانیم که عادت ها بر دو نوعند: یکی عادت های خوب و دیگری عادت های بد. به نظر من، از عادت های بد در هنگام سخنرانی این است که سخنران با تسبیح خود بازی کند، یا عمامه اش را بالا و پایین ببرد، یا با انگشتانش عینک خود را جا به جا نماید، یا مرتب انگشتش را به سوی مخاطبان خود نشانه رود، یا با انگشتر و دکمه لباس خویش بازی کند و یا چیزهای دیگری مانند آن. اینک شما از عادت های خوب سخنور برای ما بفرمایید.

یکی از عادت های خوب برای سخنور این است:

«عوّد لسانک لین الکلام...»

زبان خویش را به نرم گویی عادت دهید. (792)

30. مولای ما! اگر ممکن است یکی از علت های استقبال مردم از سخنرانان موفق را برای ما بیان بفرمایید تا آن را در سخنرانی هایمان به کار گیریم و ان شاءالله ما هم سخنران موفقی شویم و باشیم؟ چون خیلی از ما دوست داریم که به اصطلاح، تعداد «پامنبری»هایمان فراوان باشند و جای سوزن انداختن در مجلس نباشد.

یکی از راه های استقبال مردم از سخنرانی ها و افزایش تعداد آنان در سخنرانی ها، توجه به این نکته مهم و کوتاه و ساده است:

«من عذب لسانه کثر إخوانه»

هر کس شیرین سخن باشد، برادران (و دوستان) او فراوان شوند. (1028)

31. یا مولا! تعدادی از خطیبان گاهی لاف می آیند و لاف زنی و خالی بندی جزء عادتشان شده است. آیا این کار برای آنان نتیجه ای هم در برخواهد داشت؟

نه:

«رب صلف أورث تلفا»

چه بسا لاف زنی که جز از دست دادن چیزها، چیزی به دست نمی آورد. (608)

32. سؤال کوتاهی از حضرت داشتم و آن سؤال این است که مخاطبان و شنوندگان ما چرا گاهی خسته و آزرده می شوند؟

از علت های مهم آن، پر گویی است:

«کثرة الکلام تملّ السّمع»

پرگویی باعث می شود که گوش از نظرِ شنیدن خسته و آزرده گردد. (995)

33. تعدادی از سخنوران، با تردید و دو دلی سخن می گویند و محکم و استوار و با قاطعیت، سخنرانی نمی کنند؛ البته نظرم این نیست که متکبرانه و جاه طلبانه و بزرگ بینانه سخن بگویند، بلکه می خواهم بگویم که اینان از روی اعتقاد قلبی و برهان عقلی و با استحکام سخنرانی نمی نمایند. مولا جان! این کارِ درستی است؟

این گونه سخنوران اشتباه می کنند و باید بدانند:

«أحسن القول السداد»

بهترین سخن، آن است که محکم و استوار باشد. (480)

34. یا مولا! تعدادی از منبری ها و سخنران ها گاهی عصبانی می شوند و تعصب بی جا به خرج می دهند و حرف های نادرستی می زنند و گویی می خواهند به سوی مستمعان خود تیر شلیک کنند، آیا این گونه شلیک کردن، کار پسندیده ای است؟

فرزندم! بهترین شلیک تیر این است:

«أصوب الرّمی القول المصیب»

بهترین تیری که به سوی هدف شلیک می شود، سخن درست است. (438)

35. مولا! با کمال تأسف باید به محضرتان عرض کنم که گاهی برخی از منبری ها و سخنوران، در مجالس و جلسات سخنرانی هایشان از هر کسی تعریف و تمجید می کنند؛ به ویژه در مجالس ختم و فاتحه دیده می شود، شخصی که از دنیا رفته است، نه فقط آدم خوب و نیکو کاری نبوده، بلکه آدم بد و نکوهیده ای هم بوده است. و بعضی از سخنران ها، آن چنان از این مرحوم یا مرحومه تعریف و تمجید می نمایند که مگو و مپرس. اگر می شود اینان را نصیحتی بفرمایید تا از این کارها کمتر بکنند؛ هر چند تعریف و تمجید کردن از کسی در حد طبیعی و عادی اشکالی ندارد.

یکی از بهترین نصیحت های من به آنان این است:

«أعظم اللّؤم حمد المذموم»

بزرگترین فرومایگی برای آدمی این است که از شخص بد و نکوهیده تعریف و تمجید کند. (385)

36. گاهی اوقات برخی از سخنوران، حد و مرز خویش را رعایت نمی کنند و از موضوعات و مسائلی سخن می گویند که در حدِ قد و قواره آنان نیست و به اصطلاح معروف، این سخنان از دهانشان بزرگ تر است ؛ مثلاً نه درس عرفان خوانده اند و نه به مسائل عرفانی عمل کرده اند، اما مرتب دم ازعرفان و مسائل عرفانی می زنند و خود را عارف جلوه می دهند؛ یا اهل سیر و سلوک و کرامات و مکاشفات نیستند، ولی از سیر و سلوک و کرامات و مکاشفات سخن می گویند، و خویش را سالک نشان می دهند. می خواستم از حضرت بپرسم که نظر مبارکشان در این زمینه چیست؟

شفاف و صریح به شما بگویم:

«لا عقل لمن یتجاوز حدّه و قدره»

کسی که پایش را از حد و منزلت خویش فراتر می گذارد، عقل ندارد. (198)

37. مولا جان! می گویند که یکی از شرایط مهم سخنوری «بلاغت» است. می خواستم از شما بپرسم که نشانه «بلاغت» چیست؟

بلاغت نشانه های مختلفی دارد که یکی از آن نشانه ها را برای شما می گویم:

«أیة البلاغة قلب عقول و لسان قائل»

نشانه بلاغت و رسایی، داشتن دلی سرشار از خِرَد ورزی و زبانی سرشار از گویایی است. (1026)

38. ای علی! ما نمی دانیم چند دقیقه و یا حتی چند ساعت باید سخنرانی کنیم. برخی ها می گویند که فقط 20 دقیقه سخنرانی کنید و اگر قدرت خنداندن و با نشاط نگه داشتن مردم را نیز دارید، تا 30 دقیقه هم می توانید سخنرانی نمایید. برخی دیگر می گویند که بین 40 تا 50 دقیقه سخنرانی کردن، خوب و مناسب است. عده ای هم می گویند که کمتر از 90 دقیقه صحبت کردن فایده ای ندارد و بحث ها ناقص و ناتمام می ماند. مولا! آیا ملاک و معیار خاصی در این زمینه وجود دارد که ما به آن عمل کنیم؟

از معیارها در کمیت و مقدار سخنرانی این است که بدانیم:

«خیر الکلام ما لا یملّ و لا یقلّ»

بهترین سخن، آن است که نه خسته کننده و آزار دهنده، و نه اندک و مختصر باشد. (995)

ادامه دارد